

۱۸ - دستاوردهای زنان: حتی اگر نظام های بورکراتیک حاکم بر

کشورهائی که در گذشته انقلاب کارگری کرده اند، علاقه مبرمی به جلوگیری از امر رهائی زنان داشته و دارند و ماهیت واپس گرای خود را با طرز دفاع شان از خانواده و تقسیم کار مبنی بر جنسیت به اثبات رسانیده اند، باز هم قدم های بزرگی که در این زمینه، در این کشورها نسبت به قبل از انقلاب و در مقایسه با کشورهای امپریالیستی کنونی، برداشته شده، قابل انکار نیست. برای مثال، در چین و کوبا حقوق قانونی به زنان اعطاء گردید و امکانات بهتر در زمینه بهداشت و خدمات اجتماعی به آنها اختصاص داده شد. علاوه بر این، بدترین شکل از ستم دوران بربریت یعنی فروش زنان و دختران نیز طبق قانون ممنوع گردید.

با این وجود موقعیت های اجتماعی در رده ریاست و رهبری و حزب، اتحادیه های کارگری و سایر سازمان های اجتماعی، همواره در قلمرو مردان باقی مانده اند. همین امر، دقیقاً نشان می دهند که حضور زنان در تولید عمومی، اگر چه پیش شرط مهمی در نیل به رهائی کامل آنان است، اما به تنهایی کافی نبوده و در صورت اداره غلط اقتصاد کشور در یک نظام بورکراتیک، تمام دست آوردهای زنان دائماً در معرض خطر قرار دارند. در این کشورها نقش زنان خدمت به دولت و جامعه از طریق انجام کارهای نامطلوب خانه به همراه سایر اموری است که رژیم لازم تشخیص دهد. برای مثال نقش کلیسا در لهستان، هرگز به وسیله بورکراسی استالینستی به طور جدی و مؤثر مورد سؤال قرار نگرفته است. به همین دلیل کلیسا همواره در شکل دادن به ستم ایدئولوژی و جنسی به زنان ادامه داده است.